

Examining the Effect of Post-Revolutionary Crises in the Change of Jihad Sazandegi's Role in Iran (1358-1368)

Mohammad Jamallo^{*}, Mohsen Seraj^{}**

Seyed Mahmood Sadatbidgoli^{*}**

Abstract

Throughout two decades of its activity (1358-1378), Jihad's duties and responsibilities have seen fundamental developments and changes. Change in the essence of Jihad's activities in its first decade of existence included vast dimensions. So, on the one hand, with the change in the socio-political arena of Iran, Jihad bore change and turmoil in its assigned responsibilities; and on the other hand, change in Jihad Sazandegi's role, first, caused change in the administrative structure of Jihad, and finally lead to the destruction and disappearance of this institution.

The main question in this study is to explain and analyze the way Jihad treated the crises that it faced in the first decade of Islamic Revolution; and also, how these crises affected the fundamental institutional change in it. The present study has used the archival documents, interviews, state reports, and library sources, and applied the descriptive-analytical research method.

The research findings demonstrate that though Jihad firstly came into existence with the purpose of eliminating deprivation from rural areas, its involvement in the crises

^{*} PhD student of Islamic Revolution History, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran, mo.jamal1369@gmail.com

^{**} Assistant Professor of History Department, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran, serajmilad@yahoo.com

^{***} Assistant Professor of History Department, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran (corresponding author), sadadt@ir-khomeini.ac.ir

Date received: 2023/02/25, Date of acceptance: 2023/06/30



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

following first decade of Islamic revolution distanced this institution from its main assignments; and with taking some new marginal roles though it helped the stabilization of the Islamic Revolution in deprived rural areas, because of its varied responsibilities and role change, Jihad bore some kind of administrative turmoil in the inside, and in the end this turmoil lead to the change of Islamic Republic's policy makers' outlook on Jihad, and finally its distruction and disappearance

Keywords: revolutionary institutions, Jihad Sazandegi, Socio-political crises, eliminating deprivation.

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران در تغییر نقش جهادسازندگی (۱۳۵۸-۱۳۶۸)^۱

محمد جمالو*

محسن سراج**، سید محمود سادات بیدگلی***

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام خمینی جهادسازندگی با هدف محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی تشکیل شد. وظایف و مسئولیت‌های این نهاد در مدت دو دهه فعالیتش (۱۳۵۸-۱۳۷۸)، بارها دچار تغییر و تحولات بنیادی شد. تغییر در ماهیت فعالیت‌های جهاد در دهه نخست حیات این نهاد، ابعاد گسترده‌ای را شامل می‌شد. به طوری که از یک‌سو با تغییر در صحنه سیاسی-اجتماعی ایران، جهاد سازندگی نیز دچار تغییر و تشویش وظایف محوله شد و از سوی دیگر تغییر نقش جهادسازندگی نخست سبب تغییر در ساختار اداری این نهاد و در نهایت منجر به فروپاشی و انحلال آن شد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین و تحلیل چگونگی مواجهه این نهاد با بحران‌های است که در دهه نخست انقلاب اسلامی روی داد و اینکه تأثیر این بحران‌ها بر تغییر نهادی نقش جهادسازندگی چه بوده است.

* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران،

mo.jamal1369@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران،

serajmilad@yahoo.com

*** استادیار گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

sadadt@ir-khomeini.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹



پژوهش حاضر با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، مصاحبه‌ها، گزارش‌های دولتی و منابع کتاب‌خانه‌ای و با استفاده از روش پژوهش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده آن است که جهادسازندگی هرچند ابتدا با هدف محرومیت‌زدایی از روستاها تشکیل شد اما با درگیر شدن در بحران‌های دهه نخست پس از انقلاب اسلامی، از انجام وظیفه اصلی خود دور ماند و با بر عهده گرفتن برخی نقش‌های حاشیه‌ای هرچند باعث تثبیت انقلاب اسلامی در مناطق محروم و روستایی شد، اما به دلیل تنوع وظایف و تغییر نقش نهادی، دچار نوعی بی‌نظمی اداری در درون شد و درنهایت این بی‌نظمی سبب تغییر نگاه کارگزاران نظام ج.ا. به این نهاد شد تا مسیر انحلال و فروپاشی این نهاد هموار شود.

کلیدواژه‌ها: نهادهای انقلابی، جهادسازندگی، بحران‌های اجتماعی و سیاسی، محرومیت‌زدایی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جهادسازندگی یکی از نهادهای انقلاب اسلامی است که به فرمان رهبر انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و باهدف محرومیت‌زدایی از روستاها تشکیل شد. با در نظر داشتن دو دهه حیات جهادسازندگی، شرح فعالیت‌های این نهاد به چند دوره زمانی قابل تفکیک است. دوره نخست زمانی است که این نهاد ساختار منسجمی ندارد و صرفاً با افکار دانشجویان موسوم به پیرو خط امام و برخی رهبران سیاسی اداره می‌شود. دور دوم محدوده زمانی‌ای را دربر می‌گیرد که این نهاد با تبدیل شدن به وزارتخانه در تشکیلات رسمی دولت جای می‌گیرد و دوره سوم که می‌توان آن را دوره تفکیکی دانست که مربوط به فعالیت این نهاد پس از تعیین سرنوشت جنگ عراق و ایران می‌باشد و به‌مرور به وظایف مدنظر این وزارتخانه افزوده و یا از دامنه اختیارات آن کاسته می‌شود.

فعالیت‌های اولیه این نهاد، اغلب با محوریت محرومیت‌زدایی انجام می‌شد و شامل مسائلی چون عمران و توسعه کوتاه‌مدت روستایی، مباحث آموزشی و فرهنگی و برطرف کردن برخی کاستی‌ها و محدودیت‌ها در روستاها بود. با تبدیل شدن این نهاد به وزارتخانه قلمرو وظایف این نهاد دچار تغییر شد و از حجم فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این نهاد به‌شدت کاسته شد. در دهه نخست فعالیت این نهاد، چندین حادثه یا بحران، کشور انقلابی ایران و همچنین نقش نهادی جهادسازندگی را تحت تأثیر خود قرار داد که از بارزترین آن‌ها می‌توان به بحران‌هایی چون: بحران چگونگی مشارکت سیاسی روستاییان در ساختار پس از انقلاب اسلامی، بحران

نفوذ و فعالیت عناصر ضدانقلاب در برخی مناطق ایران و بحران پدافند ایران در جنگ ۸ ساله با عراق بودند که از یک سو بر فعالیت‌های جهادسازندگی تأثیر داشته و از سوی دیگر تبدیل این نهاد به وزارتخانه خود باعث ایجاد بحران‌های ساختاری درونی‌ای در این نهاد، خصوصاً در تعیین حدود وظایف و اختیارات، شد که در روند تغییر نقش نهادی و دور شدن جهادسازندگی از ماهیت و نقش اصلی نهادی خود یعنی محرومیت‌زدایی از روستاها، تأثیر بسزایی داشت؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل نقش بحران‌های بیرونی در ایجاد تغییر نقش نهادی در جهادسازندگی و تحلیل چگونگی این تغییر در اثر این بحران‌ها است.

۲. مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهشی

طبق مطالعات و بررسی‌های انجام شده، پژوهش حاضر فاقد پیشینه پژوهشی ناظر بر مسئله فوق‌الذکر است اما می‌توان برخی از پژوهش‌هایی که در راستای موضوع پژوهش به نگارش درآمده است را به قرار ذیل، معرفی نمود:

در کتاب «**نهادگرایی و جهادسازندگی**» (ایروانی: ۱۳۷۷) به واکاوی ابعاد مدیریت جهادسازندگی پرداخته شده و شاخصه‌های مدیریت جهادی در این نهاد مورد بررسی قرار داده شده است. در مجموعه مقالاتی تحت عنوان: «**نقش جهادسازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی**» برخی نویسندگان به عملکرد جهادسازندگی در مناطق مختلف ایران پرداخته‌اند. (مجموعه مقالات نقش جهادسازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی: ۱۳۸۶) برخی نویسندگان نیز در «**نشریه نگین ایران**» به بررسی مروری اقدامات جهادسازندگی در جنگ عراق و ایران پرداخته‌اند. (اردستانی ۱۳۹۳)؛ (حیدری ۱۳۹۳). از آثار شفاهی منتشر شده که شامل مصاحبه‌هایی با کارکنان جهادسازندگی است نیز مطالبی پراکنده درباره زمینه‌های فعالیت جهادسازندگی آورده شده است. (نک: مشایخی و دیگران ۱۳۹۹؛ قافله‌باشی ۱۳۹۷). در اثری تحت عنوان «**اقتصاد جهادی**» (حسنی و شاه بابای آشتیانی ۱۳۹۵) نگاهی گذرا و مروری به فعالیت‌های جهادسازندگی در ۲۰ سال فعالیت این نهاد شده است. درباره پژوهش‌های صورت گرفته درباره موضوع پژوهش در خارج از ایران نیز می‌توان به «**تاریخچه سازمانی جهادسازندگی ایران**» اثر: اریک سندرلاب اشاره کرد. در این اثر نویسنده به بررسی ساختار تشکیلاتی نهاد جهادسازندگی پرداخته است که پژوهش او بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بوده و نگاهی سوگیرانه به موضوع دارد و با این پیش‌فرض که

جهادسازندگی اغلب در راستای اهداف سیاسی فعالیت می‌کرده به بررسی تاریخچه سازمانی جهادسازندگی پرداخته است. (سندرلاب ۱۳۹۷). در تحقیقات مذکور به مسئله اصلی پژوهش حاضر (بررسی و تحلیل تغییر نقش نهادی در جهادسازندگی در رویارویی با بحران‌های پس از انقلاب) پرداخته نشده است و صرفاً خاطرات جهادگران و مصاحبه‌های آنان را شامل می‌شود و در برخی نیز صرفاً گزارش‌هایی از عملکرد این نهاد در برخی نقاط جغرافیایی ایران آمده است.

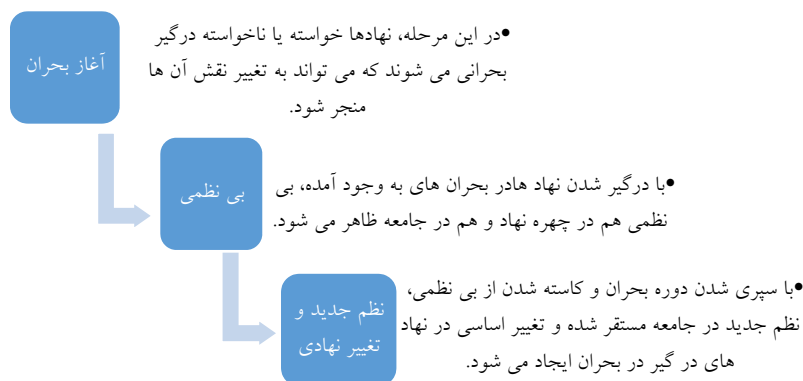
۳. چهارچوب نظری

بحران از مفاهیمی است که در علوم سیاسی و اجتماعی کاربرد وسیعی دارد. بحران‌ها اغلب در دوران گذار و یا سال‌های نخست استقرار نظم جدید رخ می‌دهند. در پی ایجاد بحران، تعادل جامعه بهم ریخته و شرایط به گونه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر رقم می‌خورد. بحران‌های پیش روی هر حکومت از تنوع بالایی برخوردار هستند اما اغلب آن‌ها به دلیل درگیری سیستم حکومتی در درون بحران سیاسی، قابل تفکیک و تقسیم می‌باشند. از مهم‌ترین نمونه‌های بحران‌های سیاسی‌ای که هر حکومت مستقر یا نوپا با آن روبرو می‌شود، می‌توان به بحران مشارکت مردمی، بحران نفوذ، بحران امنیت و بحران‌های ساختاری درون نهادی اشاره کرد. (براتعلی‌پور، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۹).

منظور از بحران در این پژوهش، موقعیتی است که روند عادی کار و فعالیت را در یک نظام یا سیستم و نهاد، با وقفه موقت و یا نسبتاً پایدار مواجه می‌کند و منجر به بی‌نظمی در کارکرد و عملکرد آن نهاد می‌شود. (نک: تاجیک، ۱۳۸۴، ۶۱)

برخی پژوهشگران موسوم به نهادگرایان که برای توضیح محیط نهادی، دگرگونی‌ها و تغییرهای آن، توجه ویژه‌ای به قواعد کارکردی و محیط نهادی دارند. (Hodgson 1998:177) (متوسلی و دیگران ۱۳۹۷: ۳۴۴) و عمدتاً به نهادگرایان تاریخی شهرت یافته‌اند، از بحران‌ها به‌عنوان عامل مؤثر در تغییر نهادی نام‌برده و معتقدند تحولات سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در فرایند تغییر شکل نهادها دارند. از دیدگاه ایشان، تغییر نقش نهادها در جامعه می‌تواند ناشی از راهبردهای سیاسی وسیع برای دگرگون کردن عوامل ساختاری، جهت رسیدن به اهداف بلندمدت، مطلوب و شایسته باشد. (Steinmo & other 1992:16-17)؛ که البته می‌تواند نتایج متفاوتی را برای نهادهای درگیر در آن به بار آورد. بدین صورت سه مرحله اساسی به اعتقاد نهادگرایان برای نهادها در مواجهه با بحران به وجود می‌آید که می‌توان آن را مطابق

شکل ذیل به سه مرحله؛ آغاز بحران، بی‌نظمی نهادی و درنهایت ایجاد نظم جدید و تغییر نقش نهادی، تفکیک کرد.



با در نظر داشتن مسیر تغییر نهادی که در شکل فوق آمده است به نظر می‌رسد در تغییرات نهادی جهادسازندگی، بحران‌ها به‌عنوان عامل مؤثر، نقش بارزی ایفا نمودند. در حوادث و بحران‌های پس از تأسیس جهادسازندگی نیز این مسئله به‌وضوح قابل‌رؤیت است. پس از تأسیس این نهاد با نقش محرومیت‌زدایی از روستاها، به‌مرور جهاد با سه بحران اساسی روبه‌رو شد. ۱- بحران مشارکت دادن روستاییان در حل بحران‌های پیش روی اهالی روستا، ۲. بحران مقابله با عناصر ضدانقلاب و فعالیت‌های ایشان در روستاها و ۳- بحران حاصل از آغاز جنگ ایران و عراق و مسئله چگونگی ایفای نقش جهاد در مسئله جنگ؛ که می‌توان این سه بحران را به‌عنوان مهم‌ترین بحران‌های دهه نخست فعالیت این نهاد که زمینه‌ساز ایجاد بی‌نظمی در ایفای نقش اصلی جهاد و متعاقباً تغییرات نهادی در این نهاد گردید، به‌حساب آورد.

بر اساس الگوی ذکرشده، در مرحله دوم، با درگیر شدن نهادها در بحران‌های به‌وجودآمده، بی‌نظمی هم در چهره نهاد و هم در ایفای نقش اصلی آن ظاهر می‌شود. درباره جهاد سازندگی نیز همان‌طور که اشاره خواهد شد این مسئله اتفاق افتاد و بی‌نظمی حاصل از دایره انجام وظایف و تغییر نقش نهادی سبب شد تا آثار آن‌هم در نظام و ساختار اداری جهاد ظاهر شود و هم در بین مردم به‌ویژه مردم روستایی که خواهان رسیدگی مرجع خاصی برای حل مسائل و مشکلات خود بودند.

درنهایت در مرحله سوم با سپری شدن دوره بحران و کاسته شدن از بی‌نظمی، نظم جدید در جامعه مستقر شده و تغییر اساسی در نهادهای درگیر در بحران ایجاد می‌شود. غلبه و

حل مسائل و بحران‌های پیش روی جهاد در دهه نخست فعالیت آن، تغییرات بنیادینی را در ساختار و نقش این نهاد که در ابتدا با هدف محرومیت‌زدایی از روستاها شکل گرفته بود، به وجود آورد و همین امر سبب تفکیک وظایف متعددی در وظایف محوله به جهاد و غلبه ساختار اداری و دولتی بر این نهاد شد و زمینه‌های انحلال و ادغام آن در سایر دستگاه‌های اجرایی را فراهم ساخت.

با در نظر داشتن چارچوب نظری فوق، در پژوهش پیش رو به مسئله چگونگی تأثیرگذاری بحران‌ها در تعبیر نقش جهاد سازندگی پرداخته و نشان می‌دهیم که چگونه جهادسازندگی به عنوان یکی از نهادهای ایجادشده پس از انقلاب با نقش و وظیفه مشخص، در اثر برخورد با بحران‌های پس از انقلاب، بر اساس الگوی ذکرشده دچار تغییر نقش نهادی گردید.

۴. جهاد سازندگی و آغاز بحران‌ها

۱.۴ بحران مشارکت

نخستین عرصه مشارکت روستاییان در امور مربوط به سیاست و حکومت در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شرکت این طیف از مردم در همه‌پرسی تعیین نوع نظام رقم خورد. پس از برگزاری چندین دوره انتخابات در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، «طرح تشکیل شوراهای اسلامی روستاها» از سوی جهادسازندگی مطرح شد. هرچند در ابتدای انقلاب برخی شوراها و انجمن‌های روستایی تشکیل شده بود اما آن‌ها از طرفی فاقد وجه قانونی بوده و از طرف دیگر تحت نفوذ عوامل سیاسی و کارگزاران باقی‌مانده از رژیم پیشین بوده و نمی‌توانستند به همدلی و وفاق برسند. مشخص نبودن وظایف و عدم همکاری ادارات و وزارتخانه‌ها نیز سبب سرخوردگی شوراها و روستاییان بود. (مجله جهاد ۱۳۶۰: ش ۲۳، ۱۴).

موضوع شوراها پس از انقلاب توسط «آیت‌الله طالقانی» مطرح شد و به شدت مورد استقبال قرار گرفته بود، اما جهادسازندگی در قالب برنامه‌ای به‌منظور ایجاد مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور روستا، تأکید خاصی به برگزاری انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا داشت. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده می‌توان دریافت که آغاز تشکیل شوراها در مناطقی است که اغلب مرزی و مورد نفوذ گروهک‌ها و عناصر ضدانقلاب بودند.

وجود بحران‌های قومی-قبیله‌ای و ایجاد بی‌نظمی‌ها در این مناطق، خواسته یا ناخواسته سبب شد تا ضرورت برقراری نظم جدید در بین کارگزاران نظام بالأخص نهاد و متولی امور روستاها در ایران پس از انقلاب، یعنی جهادسازندگی، احساس شود. به همین دلیل

جهادسازندگی که در محرومیت‌زدایی از روستاها ایفای نقش کرده بود و دارای منزلت اجرا و اعتبار در نزد روستاییان بود، ابتکار ایجاد شوراهای را بر عهده گرفت. از دیدگاه جهادسازندگی اگر روستاییان در اداره امور مربوط به خودشان در قالب شوراهای روستا دخالت داده می‌شدند بهتر می‌توانستند مسائل و مشکلات خویش را حل نمایند. (مجله جهاد، ش ۳۹، ۱۳۶۱، ۷۸) جهادسازندگی ضمن تأکید بر مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های خود، در نظر داشت تا با ایجاد شوراهای روستایی، در حل مسائل روستا از روستاییان استفاده کند و با کمک اهالی روستا مشکلات و بی‌نظمی‌های ناشی از بحران ایجادشده را حل و فصل کند، چراکه شوراهای نهادهایی متشکل از افراد معتمد و منتخب روستا بودند و به‌عنوان رابط جهاد و روستا وظیفه پیگیری امور مختلف روستا را بر عهده داشتند. بحران‌های حاصل‌شده در روستاها ناشی از بحران مشارکتی بود که در دوره پهلوی ایجاد شده بود و هیچ‌گونه نهاد مستقلی برای رسیدگی به امور روستاییان وجود نداشت به همین دلیل عقب‌ماندگی محسوس در اغلب روستاها در این زمینه دیده می‌شد.

با این‌که جهاد در بحث انتخاب شوراهای، هیچ تلاش محسوسی برای دخالت در رأی و نظر مردم خصوصاً در انتخابات سراسری کشور نداشت، اما روستاییان، جهاد را باور داشتند و به اصرار از آن‌ها می‌خواستند که نظر خود را در مورد افراد اعلام کنند. (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۰۰). همچنین جهادسازندگی با برپایی هم‌اندیشی‌های مختلف جهت تبیین ضرورت تأسیس شوراهای اسلامی در روستاها و اهمیت و جایگاه این شوراهای اسلامی در تصمیم‌گیری برای روستاها به همکاری با ادارات مختلف در امر انتخابات شورای اسلامی روستاها، پرداخت. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی: شماره سند: ۶۰۲۵، ۱-۴). در همین راستا در دومین هم‌اندیشی جهادسازندگی، بحث تشکیل گروه شورای روستایی مطرح شد و پس از آن دفتر مرکزی جهادسازندگی رسماً واحدی به نام مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی روستایی ایجاد کرد. انتخابات شوراهای روستاها توسط جهادسازندگی و زیر نظر وزارت کشور انجام می‌شد. (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۱۰۶) بدین طریق جهاد که در ابتدا تنها به دنبال محرومیت‌زدایی در روستاها بود کم‌کم با توسعه نقش خویش در رابطه با شوراهای، به کنش‌گری سیاسی در روستاها پرداخته و همین امر موجب بسط نفوذ سیاسی و عقاید سیاسی جهادگران در امور روستاها شد. از سوی دیگر با در نظر داشتن جایگاه طبقاتی اکثر کارکنان جهاد و وجود نوعی همبستگی مابین ایشان و مردم روستاها، می‌توان به وجود زمینه مساعد جهت بسط نفوذ سیاسی جهاد در روستاها و پذیرفتن نقش سیاسی علاوه بر نقش اصلی آن پی برد. این امر که

از سویی زمینه‌ساز مشارکت بیشتر روستاییان در امور مربوط به شوراها و حل بحران مشارکت در روستاها می‌شد از سوی دیگر جهاد را به نوعی تغییر نقش نهادی و گرفتن نقش سیاسی در روستاها نیز سوق می‌داد. طبق بررسی به عمل آمده در ابتدای فعالیت‌های جهادسازندگی اکثر اعضای جهاد را افرادی تشکیل می‌دادند که از طبقه متوسط روستایی و پدران و پدربزرگان آنان روحانی، معلم، دست‌فروش، مغازه‌دار، صراف، تاجر و عمده‌فروش شهرهای مختلف ایران بودند، به همین دلیل اعضای جهاد توانستند از ارتباطات و دانش محلی و از منابع مالی شخصی در جهت عضوگیری، اجرای پروژه‌ها و فعالیت‌های مختلف و همچنین تثبیت انقلاب در روستاها استفاده کنند. اعضای جهادسازندگی با برقراری ارتباطات عمیق میان روستاییان، ذهنیت، عادت‌ها، نیازها و اولویت‌های آنان را درک می‌کردند و به‌سادگی با آنان ارتباط برقرار کرده و اعتماد روستاییان را به خود جلب می‌کردند و متعاقباً و شاید هم ناخودآگاه از این اعتماد در بسط مشارکت سیاسی و نفوذ اعتقادات سیاسی خویش مابین روستاییان بهره می‌بردند. شاید از همین رو باشد که برخی از پژوهشگران خارج از ایران نیز جهادسازندگی را ابزاری برای تحکیم قدرت جمهوری اسلامی ایران دانسته و معتقدند با خدمات جهادسازندگی حکومت توانست به حاشیه روستایی و عشایری کشور نفوذ کند و آن‌ها را تحت کنترل خود درآورد. (سندرلاب ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۱)

نفوذ سیاسی جهاد در بحث بحران مشارکت و انجام انتخابات شورای روستاها علناً به گسترش حوزه نفوذ نظام جمهوری اسلامی در مناطق دوردست انجامید و ضمن جلوگیری از بحران نفوذ گروهک‌ها، به افزایش کارآمدی و در نتیجه مشروعیت نظام سیاسی کمک کرد. (اشرفی ۱۳۹۹: ۵۵) در مصاحبه‌های انجام شده با کارکنان جهاد نیز این مسئله مورد تأکید و تأکید قرار گرفت. علیرضا افشار از اعضای فعال جهادسازندگی در سال‌های فعالیت این نهاد، در خاطرات خود می‌گوید: «آباد شدن روستاها و رسیدگی به محرومین، ریشه ضدانقلاب را خشکاند و به همین دلیل بغض ضدانقلاب از بچه‌های جهاد بیشتر از سپاه بود.» (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۳۰).

جهاد سازندگی با فعالیت‌های خود در جهت محرومیت‌زدایی در روستاها کم‌کم به این منزلت نزد روستاییان و مردم مناطق محروم رسید که بتواند دیدگاه‌ها و مشی سیاسی اعضای خود و آرمان‌های انقلاب را نیز به مردم این مناطق منتقل کرده و علاوه بر نقش اصلی خود به نقشی ویژه در تثبیت انقلاب و حکومت برآمده از آن، نزد روستاییان و مردم مناطق محروم نیز دست یابد. بسیاری، آگاهی روستاییان از مسائل سیاسی و امنیتی را نتیجه حضور مداوم جهاد

در روستاها دانسته و اعتقاد داشتند که اگر از یک روستایی راجع به مسائل داخل و خارج از کشور سؤال کنید می‌بینید که قضایا را به‌گونه‌ای بیان می‌کند که شاید سیاستمداران کشورهای دیگر نتوانند به این روشنی مسائل را بیان کنند. آن‌ها معتقد بودند که روستاییان با وجود این نهاد آگاه شده‌اند و این آگاهی مانع از نفوذ گروهک‌های ضدانقلاب در روستاها شده است. (مجله جهاد، ش ۴۷؛ ۱۳۶۱، ۲۶).

در نتیجه جهادسازندگی ضمن فعالیت‌های حمایتی روستایی از قدرت خان‌ها و کدخدا که همواره تهدیدی جدی چه برای مردم روستا و چه برای حکومت نوپای جمهوری اسلامی بودند، کاست و با پیشرفت کارها و اقدامات انجام‌شده، زمینه مشارکت مردم در انتخابات دولتی را فراهم ساخت و باعث شد تا به روستاییان فرصت مشارکت سیاسی بیشتر داده شود و به جمهوری اسلامی ایران نیز این امکان را دهد تا در سال‌های نخست پس از انقلاب، اداره مؤثرتر روستاها را فراهم سازد. شوراهای روستایی در دهه شصت نقش عمده‌ای در هدایت مسائل روستاها و رفع اشکالات ایفا کردند. در واقع شورای روستا نماینده جهاد در روستا بود بر همین اساس و طبق یک قرار نانوشته، جهاد متولی شوراهای روستا و وزارت کشور متولی شوراهای شهر به حساب می‌آمد. (مشایخی و دیگران ۱۳۹۹: ۹۴). بدین طریق جهاد با تغییر نقشی محسوس رابط بین حکومت و مردم در روستاها شد.

۲.۴ بحران فعالیت‌های ضدانقلاب و مواجهه جهاد با آن

دومین بحرانی که پس از انقلاب اسلامی حوادث و وقایع تأثیرگذاری در صحنه سیاست و اجتماع را به دنبال داشت، فعالیت عناصر موسوم به گروه‌های ضدانقلاب بود. این بحران در طول دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور را درگیر خود نمود و سبب ایجاد بی‌نظمی و خسارات جبران‌ناپذیر مادی و حتی معنوی در بین مردم و انقلابیون شد. گروهک‌های ضدانقلاب با استقرار در مناطق مرزی ایران که دارای محرومیت مضاعفی نسبت به سایر مناطق کشور بودند، شروع به کارشکنی علیه انقلاب اسلامی کردند و مشکلات امنیتی متعددی را پیش روی روستاییان قرار دادند. جهادگران نیز که نقش اصلی آن‌ها در ابتدای امر محرومیت‌زدایی از مناطق محروم بود، خواسته و ناخواسته با بحران فعالیت ضدانقلاب در این مناطق روبرو شدند و به‌ناچار این مناطق را در اولویت رسیدگی خود قرار دادند. از سوی دیگر در اکثر استان‌های محروم، گروهک‌های ضدانقلاب به بهانه کمک به محرومین در سطوح مختلف مدیریتی جهاد نفوذ کرده بودند و خدمات و اقلامی را که برای مناطق محروم روستایی

فرستاده می‌شد را به نام خود و با مهر و آرم سازمان مجاهدین توزیع می‌کردند به همین دلیل ضرورت پاک‌سازی آنان نیز احساس شد. (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۳). با بالا گرفتن بحران نفوذ گروهک‌های معاند در روستاها و مناطق محروم جهادسازندگی به سمت قبول نقشی فراتر از نقش اصلی خود یعنی؛ تلاش برای تثبیت انقلاب در روستاها و مناطق محروم کشور سوق داده شد تا مانع از فعالیت گروه‌های سیاسی معاند در این مناطق شود. (حسینی و شاه بابای آشتیانی ۱۳۹۵: ۴۴). به گفته برخی کارکنان جهادسازندگی؛ به دلیل سابقه جهاد در کمک به روستاییان و محرومیت‌زدایی در این مناطق، با وجود فعالیت گروه‌های ضدانقلاب، مردم گرایش به آن‌ها نشان نداده و حضور مؤثر جهاد در این امر تأثیرگذار بود. (مشایخی و دیگران ۱۳۹۹: ۹۲).

در خاطرات محمدتقی/امان پور آمده است که:

مدیران اصلی جهاد استان به شهری وارد شده بودند که فضای سنگین سیاسی بر آن سایه انداخته بود و در و دیوار شهر را شعارهای گروهک‌ها پوشانده بود. شاید تعداد عناصر منافق و پای کار ضدانقلاب زیاد نبود، اما همین عده توانسته بودند با شعارتویسی فضای فرهنگی و سیاسی شهرستان را تحت تأثیر قرار دهند. (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۷۷).

ضدانقلاب در برخی نقاط فضا را برای خدمت‌رسانی تنگ کرده بود آن‌ها با ایجاد ناامنی زمان کار را محدود به روز می‌کردند و به این ترتیب هزینه و زمان پروژه‌ها افزایش می‌یافت. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی شماره سند: ۵۵۱۱: ۲۵). همان‌طور که اشاره شد محرومیت روستاها زمینه نفوذ ضدانقلاب شده بود. روستاها وضعیت خوبی نداشتند و محرومیت‌زدایی از آنان هدف انقلاب اسلامی تلقی می‌شد. «در این فضا، ضدانقلاب نیز از مطالبات مردم سوءاستفاده می‌کرد و با ایجاد پایگاه‌های خود در این مناطق، به دنبال ایجاد سوءظن به نظام نوپای اسلامی و بارگیری از میان مردم بودند.» (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۵۴). در برخی روستاها ضدانقلاب اقدام به ربودن ادوات کشاورزی متعلق به جهادسازندگی می‌نمودند تا مانع فعالیت این نهاد شود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی شماره سند: ۵۵۱۱: ۲۶). همچنین ضدانقلاب گاه‌وبیگاه به نیروهای جهادسازندگی حمله می‌کرد و نیروهای جهاد را به قتل می‌رساند و یا آن‌ها را گروگان می‌گرفتند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی شماره سند: ۵۵۲۶: ۱۹۱) و برخی از افراد روستاها را در تشکیلات خود جذب می‌کردند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی شماره سند: ۵۵۱۱: ۳۳).

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۹۷

گروهک‌های ضدانقلاب توجه زیادی به روستاها داشتند و همه فکرشان این بود که روی روستاها کار کنند آن‌ها می‌خواستند به روستاها بروند و از عدم آشنایی روستاییان به فرهنگ انقلاب و ارزش‌هایی که انقلاب برای آن‌ها هدیه می‌آورد استفاده کنند و روستاییان را با طرح‌ها و ارزش‌های دروغین علیه انقلاب اسلامی تحریک کنند تا به این وسیله از استقرار نظام اسلامی جلوگیری کنند. (مجله جهاد، ش ۲۶، ۴۷، ۱۳۶۱).

رضایت روستاییان از اقدامات جهاد در سالیان نخست فعالیت زمینه همکاری و تعامل آن‌ها را با جهادسازندگی در راستای از بین بردن نفوذ ضدانقلاب در روستاها را فراهم ساخت. اثرگذاری جهاد تا جایی بود که یکی از سران کومله در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که عامل بیرون راندن ما از کردستان، جهاد بود. (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۳۷).

دریکی از مقالات نشریه جهاد درباره نقش جهادسازندگی در ایجاد امنیت در برخی مناطق تحت نفوذ ضدانقلاب در آذربایجان غربی آمده است که باوجود اقدامات جهادسازندگی در حوزه راه‌سازی و احداث راه‌های مختلف روستایی و شهری اقدامات ضدانقلاب در این منطقه به‌راحتی خنثی می‌شود. (مجله جهاد، ش ۵۶، ۱۳۶۲، ۵۷)

در رابطه با از بین بردن پایگاه اجتماعی گروهک‌ها در منطقه نیز فعالیت‌های جهاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برای نمونه یکی از عناصر کومله در جواب جهادگر اسیری که سؤال می‌کرده شما به چه علت ما را زندانی می‌کنید جواب می‌داده که جهادسازندگی کمر ما را شکسته است و هر جا می‌رویم می‌بینم جهاد می‌آید یک کاری می‌کند تمام آن فعالیت‌های ما خنثی می‌کند و از بین می‌برد و مردم را به دولت راغب می‌کند. (همان، ۵۷).

دریکی دیگر از گزارش‌ها نیز اذعان شده است که:

تعدادی از اهالی مهاباد و روستاهای اطراف که به‌شدت فقیر بودند و از نظر مالی وضعیت خوبی نداشتند برای کارکردن به جهادسازندگی رفته و در آن‌جا مشغول به کار می‌شوند ولی گروهک‌ها به آن‌ها حمله کرده آنان را به قتل رساندند. گروهک‌ها به مردم بومی فشار می‌آوردند که با جهادسازندگی همکاری نکنند. (مجله جهاد، ش ۳۰، ۱۳۶۰، ۵۴).

جهاد تأکید داشت که می‌بایست پاک‌سازی ضدانقلاب در مناطق مورد نفوذ با کمک مردمی همان منطقه حل شود و از ورود به مسائل نظامی خودداری می‌کرد. برای نمونه با توجه به این‌که منطقه کردستان منطقه محرومی بود، جهادسازندگی در همان ماه‌های نخست فعالیت

اقدام به انجام پروژه‌های شهری نمود و تعداد زیادی از افراد بومی منطقه کردستان در این نهاد جذب شدند در طول سه سال نخست فعالیت جهاد در این منطقه، پروژه کانال فاضلاب شهری سنندج انجام شد و سی دستگاه خانه مسکونی برای محرومان ساخته شد. هم‌چنین جهادسازندگی توانست در بحث راه‌ها که به‌عنوان شریان حیاتی تأمین امنیت این منطقه بود اقدامات مؤثری را انجام دهد. (مجله جهاد، ش ۴۶، ۱۳۶۱، ۵۱)

دولت نیز در ایفای نقش جدید جهادسازندگی و مواجهه آن با ضدانقلاب این نهاد را حمایت می‌کرد. به‌عنوان مثال: به‌منظور مقابله بهتر و کنترل نفوذ عناصر ضدانقلاب در منطقه آذربایجان غربی بهبود راه‌های ارتباطی این استان و محرومیت‌زدایی از مناطق فوق‌اهمیت زیادی داشت و در مجلس شورای اسلامی نیز پیشنهادهایی برای اختصاص بودجه برای بازسازی راه‌های ارتباطی و ابنیه جهادسازندگی و تأسیسات موردنیاز جهادسازندگی در آذربایجان غربی و کردستان ارائه و تصویب شد. (مرکز پژوهش‌های مجلس، مصوبه شماره: ۳۶۶/۳۱۰-۶۶۷-۱).

۳.۴ جهادسازندگی در مواجهه با بحران جنگ

بحران دامن‌گیر جنگ عراق و ایران، از مسائلی است که هرچند انتظار پایان آن در کوتاه‌مدت وجود داشت اما با دامنه دارشدن نبردها، مدت زمانی بیش از ۸ سال را دربرگرفت. در اثر این بحران، جهادسازندگی دچار تغییر نقش شده و به‌سرعت وارد عمل شد و این واکنش سبب شد تا دامنه فعالیت‌های جهادسازندگی از سوی محوریت محرومیت‌زدایی به اهداف سیاسی-دفاعی و پشتیبانی جنگ نیز کشیده شود.

با شروع جنگ و انتشار پیام امام خمینی مبنی بر حضور فعال مردم، اکثر نیروهای جهادسازندگی همانند سایر نهادهای انقلابی، بر اساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود به‌سوی مرزهای ایران و عراق سرازیر شدند. شورای مرکزی جهادسازندگی نیز طی فراخوانی از عموم مردم خواست تا با حضور در جنگ یاری‌رسان سپاه و ارتش باشند. بنا بر ضرورت هماهنگی بین نیروها و امکانات و تجهیزات جنگ، جهادسازندگی ابتدا با تشکیل ستاد پشتیبانی مهندسی رزمی جنگ، نیاز جنگ به پشتیبانی رزمی و سپس نیاز به برنامه‌ریزی جهت رفع محرومیت‌های پس از جنگ را در اولویت کار خود قرار داد. (ن.ک به ساکما: شماره ثبت ۳۲۰/۵۴۲۳۵). حضور جهادسازندگی شامل ۴۰ گردان مهندسی-رزمی و ۵ قرارگاه عملیاتی و پشتیبانی جنگ

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۹۹

استان‌ها و ستاد مرکزی به‌طور سازمان‌دهی شده و با تجهیزات و ماشین‌ابزار در عملیات بود. (اردستانی، ۱۳۹۳، ۵-۷).

ارتباط جهادسازندگی با رهبران انقلاب در طول جنگ سبب شد که اکثر اقدامات جهاد در جنگ مورد تأیید رهبران نظامی و فرماندهان عملیات باشد. برخی از مسئولان انقلاب اسلامی در سال‌های جنگ به نقش کاربردی و مؤثر جهاد اذعان داشته‌اند و معتقد بودند که «برای نوشتن تاریخ جنگ، باید تاریخ خدمات جهاد را بنویسیم» (مجله جهاد، ش ۳۲، ۱۳۶۱، ۱۱) آنان دلیل حضور جهادسازندگی در جنگ را ضرورت نیاز سایر دستگاه‌های درگیر در جنگ به این نهاد دانسته و معتقد بودند

طبعاً جهاد هم به‌عنوان روح زنده جامعه و بخش متحرک اجتماع ماقبل و یا در ردیف اولین بخش‌هایی بود که این نیاز را احساس کرد و دریافت این نیاز، نیاز مبرمی است و لذا به جبهه آمد و در حقیقت به همان اندازه سپاه، نیروهای رزمنده و ارتش که راه فتح را باز کردند، جهاد نیز هم در نقش مهندسی، به کمک مهندسی ارتش شتافت. (همان؛ ۱۱-۱۲)

در یادداشت‌های باقی‌مانده از اعضای جهادسازندگی نیز تأکید بر جنبه‌های دینی و معنوی دفاع مقدس و انجام کار و رفع نیاز تأکید شده است. از دید جهادگران دلایل حضور این نهاد در جنگ «در فلسفه وجودی نهاد و نیروهای آن که شامل شور انقلابی و جوان‌گرایی» بوده است. به تعبیری

اگرچه حضور و فعالیت‌های جهادگران در مناطق محروم کشور خود یک جهاد برای سازندگی بود ولیکن باید اذعان داشت که جهادگران پیشرو آنانی بودند که برای حراست از تکلف نظام و موجودیت انقلاب اسلامی از جان و مال و فرزند خود گذشته و در جبهه نبرد شرکت کردند. (ساکما: شماره ثبت سند: ۳۲۰/۴۷۶۹۸).

به نظر می‌رسد اثرگذاری معنوی برخی از مفاهیم دینی و مذهبی مانند جهاد، شهادت، ایثار، جانباز و تأکید بر واژه «دفاع مقدس» از سوی رهبران نظام ج.ا. از یک‌سو و شور و هیجان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت مقابله با بی‌نظمی‌ها و عدم اتحاد نظر در چگونگی حضور نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) سبب شد تا جهادسازندگی به‌عنوان نهاد هماهنگ‌کننده این امور حضور در جنگ را ضرورتی انکارناپذیر تصور کند.

با ادامه دار شدن جنگ، فرایند تغییر نقش در جهادسازندگی نیز سرعت بیشتری گرفت و برای مقابله با بی‌نظمی‌های ایجاد شده حاصل از بحران جنگ و با در نظر داشتن حضور مداوم این نهاد در جنگ به ناچار به ایفای نقش در جنگ کشانده شد و متعاقباً با پذیرفتن نقش جدید بیش از پیش از هدف اولیه تأسیس خویش فاصله گرفته و صرفاً در بخش بازسازی‌های پس از جنگ توانست به برخی از وظایف اصلی خویش یعنی محرومیت‌زدایی از روستاها بازگردد. برخی از مهم‌ترین ابعاد تغییر نقش جهادسازندگی در جنگ را می‌توان موارد ذیل جست‌وجو کرد.

۱.۳.۴ حضور در عملیات

در اکثر نبردها جهادسازندگی نقش پشتیبانی را عهده‌دار بود و با ارائه کمک‌های فنی و مهندسی به فعالیت پرداخت. جهاد در عملیات ثامن‌الائمه اقدام به احداث جاده‌های متعدد و خاک‌ریز و احداث جاده «وحدت»، احداث خاک‌ریز دفاعی کنار رود کارون و ایجاد آتش‌بر روی کارون نمود. در عملیات طریق‌القدس، ضمن احداث جاده به طول ۴۰ کیلومتر (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۸۷-۸۳) بندهای مهندسی، تدارکاتی و تعمیراتی در مجاورت تیپ‌های نظامی، تجهیز و راه‌اندازی بیمارستان سوسنگرد، احداث بیش از ۲۰۰ کیلومتر خاک‌ریز عملیاتی و احداث شبکه راه تدارکاتی را در کارنامه خود ثبت کرد. (مجله جهاد، ش ۵۵، ۱۳۶۲، ۲۷-۲۸)

در عملیات فتح‌المبین، مسئولیت مهندسی رزمی عملیات به‌طور کتبی و رسمی به جهاد واگذار شد و جهاد با تشکیل ۱۰ ستاد عملیاتی از جهاد استان‌ها وارد عمل شد و با به‌کارگیری بیش از ۵۵۰۰ جهادگر توانست حدود ۱۰۰۰ کیلومتر راه عملیاتی، ۵۰۰ کیلومتر خاک‌ریز، ۱۳۰ دهنه پل، باند بالگرد، ۵۱ دستگاه اورژانس، ۱۴ دستگاه حمام صحرایی و ۴ حلقه چاه احداث کند. (مجله جهاد، ش ۳۱، ۱۳۶۱، ۱۴) و (ساکما: شماره‌سند: ۳۲۰/۴۸۶۲۳)

و (۳۲۰/۴۵۲۳۴) در عملیات بیت‌المقدس نیز، مسئولیت مهندسی این عملیات به جهاد واگذار شد. از فعالیت‌های عمده جهاد در این عملیات، ارتباط بین جاده آبادان و خرمشهر در منطقه دارخوین، احداث ۹ دهنه پل، احداث ۲ خاک‌ریز مهم، ایجاد سایت موشکی، ایجاد تعمیرگاه‌های ثابت و سیار، بسیج بیش از ۱۰۰۰ دستگاه کمپرسی، احداث بیش از ۷۰۰ کیلومتر جاده ارتباطی و ۵۰۰ کیلومتر خاک‌ریز بود. (مجله جهاد، ش ۳۱، ۱۳۶۱، ۱۴) و (ساکما: شماره‌سند: ۳۲۰/۴۵۴۲۵)

۲.۳.۴ پشتیبانی جنگ

جمع‌آوری و ارسال و توزیع کمک‌های مردمی به جبهه‌ها از دیگر فعالیت‌های جهادسازندگی در طول جنگ بود. با حضور ستادهای مختلف جهاد از استان‌های سراسر کشور در محورهای جنگی، لزوم ارتباط گسترده مردم و جلب کمک‌های آنان به جبهه‌های نبرد ضرورت یافت. جهادسازندگی در کلیه استان‌ها و شهرستان‌های کشور شبکه‌ای وسیع و گسترده جهت انتقال ارزش‌های جنگ در میان مردم و جلب کمک‌های مردمی تحت عنوان ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی استان یا شهرستان مربوطه، تشکیل داد. از عمده فعالیت‌های این ستادها می‌توان به بسیج نیروهای مردمی و اعزام نیروهای متخصص و فنی داوطلب به جبهه‌ها، تشکیل کارگاه‌های مردمی، بسته‌بندی مواد غذایی، دوخت و بافت لباس موردنیاز رزمندگان، بسیج کمپرسی‌های شخصی مردم و اعزام آن‌ها به جبهه‌ها، ایجاد واحدهای فرهنگی تبلیغی در شهرها و روستاها و انجام فعالیت‌هایی از قبیل تشکیل نمایشگاه عکس جهت انتقال حماسه‌ها و ارزش‌های معنوی جبهه‌های نبرد به پشت جبهه‌ها و تشویق مردم به پشتیبانی و حمایت هر چه بیش‌تر از رزمندگان اشاره کرد. (ساکما: شماره‌سند: ۳۲۰/۴۸۵۵۱).

۳.۳.۴ فعالیت در بخش تحقیقات مهندسی جنگ

توسعه و به کارگیری مهندسی رزمی در جنگ، نتیجه حضور جهاد در خط مقدم بود (ساکما سند شماره: ۳۲۰/۴۸۵۵۱) ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی به‌منظور ساماندهی به نیروهای نظامی و منسجم ساختن آن‌ها اقدام به تشکیل پنج قرارگاه در مناطق مرزی درگیر جنگ نمود (ساکما سند شماره: ۳۲۰/۴۵۴۹۰) همچنین راه‌اندازی مرکز تحقیقات جهاد به‌منظور منسجم کردن فعالیت‌های تحقیقاتی و نوآوری مرتبط با مهندسی جنگ از دیگر فعالیت‌های بخش تحقیقات مهندسی جنگ جهاد بود. (قافله باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۸۲) مرکز تحقیقات مهندسی جهادسازندگی از اولین مراکز تحقیقاتی جهادسازندگی بود که پژوهش‌هایی در رابطه با مهندسی دفاعی و نظامی و صنایع نظامی ایران انجام می‌داد. قلمرو مطالعاتی و فعالیت این مرکز شامل: انواع پروژه‌های نظامی از جمله موشک‌های زمین به زمین و تانک و خودروهای زرهی، بالگرد، پل‌های متحرک و سایر انواع پل، کف‌پوش مخصوص باتلاق، پمپ‌های آب، ماسک و دستگاه‌های ضد شیمیایی و دستگاه‌های استخراج معدن، می‌شد. (۲۰ سال تلاش برای سازندگی ۱۳۸۰)

۴.۳.۴ بازسازی مناطق جنگ‌زده

جهادسازندگی از بدو شروع جنگ در اندیشه بازسازی مناطق جنگ‌زده و رسیدگی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناطق درگیر جنگ بود. نخستین بار پس از شکست حصر آبادان (نک: ساکما سند شماره: ۳۲۰/۴۷۶۲۱) موضوع بازسازی مناطق جنگ‌زده مطرح شد و مقدمات تشکیل ستادی به منظور انجام این امور فراهم شد. (مجله جهاد، ش ۵۳، ۱۳۶۲، ۴۴) برای نخستین بار در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۶۰ شورایی به نام «شورای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی» تشکیل شد تا اهداف، خط‌مشی و شرح وظایف جهادسازندگی در بازسازی منطق جنگ‌زده را تدوین کند. (همان).

محرومیت بیش از حد مناطق جنگ‌زده و گستردگی خسارات جنگ بر این مناطق از یک‌سو و از سوی دیگر فقر و محرومیت مضاعف روستاییان، لزوم محرومیت‌زدایی در این نقاط را بیش از پیش آشکار می‌ساخت و این امر مستلزم صرف هزینه‌های زیادی برای بازسازی خسارات مناطق جنگ‌زده بود. (ساکما سند شماره: ۳۲۰/۵۴۳۸۱). روش کار جهادسازندگی در بازسازی مناطق آن بود که در ابتدا با پر کردن پرسشنامه از معتمدان روستا، اطلاعات لازم برای آگاهی از میزان محرومیت به دست می‌آورد. (مجله جهاد، ش ۵۳، ۱۳۶۲، ۴۴) و سپس با توجه به نیاز مردم روستا، رویکردهای مختلفی نسبت به بازسازی مناطق جنگ‌زده پیش می‌گرفت. این رویکردها شامل رویکرد کشاورزی، عمرانی، آموزش و تربیت انسانی، ترویجی، فرهنگی و... می‌شد. اهداف اولیه جهاد از بازسازی مناطق جنگ‌زده عبارت بود از: احیای زمین‌های بایر و موات جهت کشت محصولات کشاورزی، ایجاد خدمات زیربنایی در امور آب‌و‌خاک، فراهم ساختن زمینه بازگشت مردم به مناطق مسکونی جنگ‌زده، ایجاد خدمات رفاهی برای روستاییان، سرمایه‌گذاری برای پیوند مردم با مباحث فرهنگی، استفاده از نیروی مردمی و بسیج محلی در انجام امور و اتکا به اصل خودکفایی (ساکما سند شماره: ۴۰۰/۰۱۰۷۰۵). به‌طورکلی جهادسازندگی، به‌عنوان متصدی انجام بازسازی مناطق جنگ‌زده، در صدد بود تا ابتدا با بازسازی شبکه‌های آبیاری، حفر چاه‌های عمیق و احیا زمین‌های کشاورزی که بر اثر جنگ خسارت دیده بودند، زمینه بازگشت مهاجرین جنگی به روستا را فراهم سازد و سپس با حمایت از فعالیت‌های کشاورزی و دام، صنعت روستایی را احیا و مورد توجه قرار دهد تا سطح درآمدی مردم در روستا بالا رود. رسیدگی به تأسیسات و عمومی و زیربنایی و احداث مدارس و حمام‌ها، مساجد و راه‌های روستایی پس از موارد فوق در اولویت‌های بعدی در رابطه با

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۰۳

بازسازی روستاها قرار داشت. (مجله جهاد، ش ۳۶ (۲ مرداد) ۲۷). (ساکما سند شماره‌های ۲۹۳/۹۶۰۴ و ۳۲۰/۴۵۸۷۴ و ۲۹۳/۱۵۳۰۹) جهادگران مهم‌ترین دلیل حضورشان در بازسازی مناطق جنگ‌زده را در «فلسفه وجودی و اهداف اولیه تأسیس این نهاد» دانسته و معتقد بودند:

کمک به مجروحین روستاها و آن‌هم محروم‌ترین مناطق است سبب می‌شود که با وجود تمامی مشکلات و کمبودها مسئولیت این کار را بپذیرد. به علت جو سیاسی این مناطق قبل از انقلاب و به‌خصوص رخنه عوامل ضدانقلاب داخلی و خارجی و تبلیغات دامنه‌دار آن‌ها چه قبل از جنگ و چه در حین جنگ و در اردوگاه‌ها که مسلماً بعد از جنگ شدت بیشتری خواهد یافت (شکل صلح یا پیروزی قطعی در این مورد تأثیر بسزایی خواهد داشت) و توقعات مردم جنگ‌زده که به امید پایان جنگ و اقدامات دولت نشسته‌اند یک سازمان اجرایی مکتبی و پرتوان را می‌طلبند که جز جهادسازندگی ارگان دیگری از عهده این کار برنخواهد آمد. (مجله جهاد، ش ۵۳، ۱۳۶۲، ۴۴)

در نتیجه حضور جهادسازندگی در جنگ و فعالیت در قالب نقش‌های فوق، این نهاد اجتماعی و فرهنگی به نهادی که وظایف دفاعی-مهندسی و نظامی را عهده‌دار شد، تبدیل گشت. جهادسازندگی باهدف مقابله با بی‌نظمی ایجادشده پس از جنگ بالاچار اقدام به انجام وظایف غیر مرتبط با مسئولیت اصلی خود نمود. با خدمات ارائه‌شده این نهاد صحنه جنگ دچار تغییر تحول اساسی شد به نحوی که برخی از انقلابیون ایران پیش از پایان جنگ اذعان داشتند که «مدیریت جهادی سنگر سازان بی سنگر» سبب شد تا تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ با این نهاد عجین شود.

۴.۴ بحران‌های ساختاری در جهاد سازندگی

منظور از «بحران‌های ساختاری» بحران‌هایی است که به‌صورت خواسته یا ناخواسته جهادسازندگی را از درون درگیر نمودند و سبب تغییر ساختار این نهاد از یک‌سو و تغییر دایره وظایف و اختیارات این نهاد از سوی دیگر شدند. در سال‌های نخست فعالیت جهادسازندگی، به دلیل نبود اساسنامه، فعالیت‌های این نهاد انقلابی دامنه وسیعی را دربر می‌گرفت. در ابتدای شکل‌گیری جهاد، حرکت‌های اولیه خیلی تخصصی نبودند و بیشتر جنبه عمومی داشتند. در روزهای اول تأسیس که مقارن با اوایل تابستان و فصل دروی محصولات کشاورزی در روستاهای ایران بود، جهاد سعی می‌کرد مردم را برای دروی محصولات بسیج کند و همه اقشار

مردم با شور و شوق خاصی عازم روستاها شدند و به کشاورزان کمک کردند. (مجله جهاد، ۱۳۶۱، ش ۴۷) این شروع کار بود در ادامه شورای انقلاب مصوباتی را تصویب کرد که اداره‌ها بتوانند به جهاد امکانات بدهند و افراد بتوانند به جهاد مأمور شوند. (مشایخی و دیگران: ۱۳۹۹، ۲۳-۲۵)

در ابتدا این شیوه خدمت‌رسانی به روستاها طبیعی بود چراکه روستاها از دید جهادگران «زخم‌خورده اصلاحات ارضی» بودند و شرایط نامناسبی داشتند. جهادی‌ها زود متوجه شدند تمرکز بر دروی محصول روستاییان نمی‌تواند مصداق مناسبی از رفع خرابی‌ها باشد و به همین دلیل اقدام به برنامه‌ریزی دقیق‌تر کردند. (قافله باشی: ۱۳۹۷، ۲۵۱) از آنجایی که تشکیلات جهادسازندگی در سال‌های نخست مشخص نبود و به‌صورت وزارتخانه فعالیت نمی‌کرد عملکرد این نهاد تا زمان تبدیل شدن آن به وزارتخانه (مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره ۱، ج ۱، ۶۴۱) به نحوی بود که در واقع یک تشکیلات سرعت‌دهنده به طرح‌های دیگر ادارات و بازوی قوی برای آن‌ها محسوب می‌شد. پس از مدتی نیروهای جهاد به این نتیجه رسیدند که این سازمان نیازمند نظم است و آن نظم نیز نوعی بوروکراسی ایجاد می‌کند که این بوروکراسی باید با اهداف تشکیل جهاد منطبق باشد. (مشایخی و دیگران: ۱۳۹۹، ۲۳-۲۶)

پس از تشکیل وزارت جهادسازندگی، به دلیل هم‌پوشانی برخی وظایف جهادسازندگی و وزارت کشاورزی، کلیه فعالیت‌های دولت در زمینه بهبود کمی و کیفی و وضعیت روستاها و بهبود شرایط زندگی روستاییان و عشایر به جهادسازندگی واگذار شد و جهاد با همکاری سایر وزارت‌خانه‌ها به ایفای نقش خود پرداخت؛ اما در ادامه مسیر به دلیل نیاز به هماهنگی بین وزرا و همچنین پیشبرد سریع امور برخی از وظایف جهادسازندگی از این وزارت‌خانه تفکیک شد و به سایر وزارت‌خانه‌ها واگذار شد.

آیین‌نامه‌های متعددی در طول سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ درباره تفکیک وظایف جهادسازندگی تدوین و از سوی مجلس تصویب شد که انتقال وظایف سازمان صنایع دستی به جهادسازندگی و اجازه تأسیس و تشکیل صنایع تبدیلی اولیه کشاورزی به جهادسازندگی (مرکز پژوهش‌های مجلس، تصویب‌نامه شماره ۸۶۷۹۰ تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۲)، قانون تفکیک وظایف جهادسازندگی و وزارت کشاورزی در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱۱ (مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ج ۱، ۴۰۵) انتقال وظایف مربوط به تأسیس اداره و نظارت بر تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۳، (مذاکرات مجلس دوره ۴، ج ۱، ۹۲۸) آیین‌نامه هماهنگی و همکاری بین جهادسازندگی و نهضت سوادآموزی، (مرکز پژوهش‌های

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۰۵

مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۱۸۰ مورخ ۱۳۶۳/۳/۶) هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت بهداشت و درمان (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۴۹۶۶ ت ۹۷ تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۸)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت صنایع (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۶۰۵۷۰ تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۷)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت مسکن (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۳۴۱۶۴-۳۶۹، به تاریخ ۱۳۶۵/۵/۵) هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت راه (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۹۰۱۲-۹۰۶ به تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۶)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت نیرو (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۱۰۱۶-۸۵۴۹۰ به تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۵)، اصلاح تصویب‌نامه راجع به اهداف و وظایف وزارتخانه‌های کشاورزی و جهادسازندگی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۶۰۹۲ ت ۱۵۳۰۶ ه ۶۱۲ به تاریخ ۱۳۷۵/۶/۴) و تفکیک وظایف وزارتخانه‌های کشاورزی و جهادسازندگی از جمله آن‌ها بودند. (ایروانی، ۱۳۷۷، ۱۹۶)

تفکیک وظایف باعث شد تا «جهادسازندگی از یک سازمان مأموریت محور باهدف کلان توسعه روستایی و محرومیت‌زدایی به سازمانی وظیفه محور تبدیل شود که این امر فلسفه پیدایش جهاد سازندگی را کمرنگ کرد.» (ظهوریان ابوترابی و دیگران: ۱۳۹۷، ۱۱۲) از دیدگاه مسئولان جهادسازندگی و همچنین اطلاعات موجود در اسناد و گزارش‌های باقی مانده نیز این ادعان وجود دارد که تفکیک وظایف بین وزارت کشاورزی و جهادسازندگی توسط هیئت دولت در مهرماه ۱۳۶۳ گرچه در کوتاه‌مدت فضای مستعد و پویایی برای فعالیت‌های جهاد سازندگی در زمینه کشاورزی فراهم آورد، اما باگذشت چند سال، سبب تداخل وظایف، دوباره‌کاری‌ها و عدم تضمین اجرای برنامه‌های مصوب توسط مجلس، ائتلاف منابع مالی و نیروی انسانی، افزایش ضایعات، توسعه بی‌رویه تشکیلات دولتی، ناهماهنگی و دوگانگی در کارها، توقف در برنامه‌ریزی، رشد بوروکراسی و سردرگمی زارعین شد. (ساکما: سند شماره: ۴۰۰/۷۳۴۹)

۵. نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بحران‌های متعددی پیش روی نظام ج.ا.ایران قرار گرفت. این بحران‌ها که غالباً از نوع سیاسی بود، سطوح مختلفی از نظام جمهوری اسلامی، از جمله برخی از نهادهای انقلابی که مخلوق حوادث و شرایط جامعه پساانقلابی ایران بودند را،

به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر نمود و نهادهای انقلابی در صدد حل و رفع بحران و مقابله با بی‌نظمی‌های ایجادشده پس از بحران برآمدند. جهادسازندگی یکی از نهادهای برآمده از انقلاب اسلامی بود که باهدف محرومیت‌زدایی از جامعه روستایی تشکیل شده بود، اما در مواجهه با بحران‌های پس‌انقلابی دچار تغییر نقش نهادی گشت و با پذیرفتن نقش‌های دیگر به‌غیر از نقش اصلی خویش و انجام وظایف غیر مرتبط با اهداف اولیه تأسیس، به درهم‌ریختگی و بی‌نظمی اداری در ساختار خویش دچار گردید و از سوی دیگر به دلیل گستردگی حیطه‌های انجام وظایف و هم‌پوشانی برخی وظایف با فعالیت‌های سایر وزارتخانه‌ها، این نهاد بارها و بارها دچار تفکیک وظایف شد. ضربه‌های ناشی از دور شدن از نقش اصلی و ذاتی این نهاد و تفکیک وظایف مانند سمی مهلک در بدنه این نهاد رخنه کرد تا جایی که علناً وزارت جهادسازندگی به یک تسهیلگر بین وزارتخانه‌های دولتی تبدیل شد و با تغییر نقش جهادسازندگی در بحران‌های دهه نخست انقلاب اسلامی و فاصله‌گیری از اهداف اولیه تأسیس، زمینه‌های لازم برای انحلال و ادغام این نهاد در دهه دوم فعالیت آن فراهم شد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «بررسی رویکردها و کارکردهای نهادهای محرومیت‌زدایی در دوره جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: جهاد سازندگی ۱۳۵۸-۱۳۷۹»، است.

کتاب‌نامه

- ۲۰ سال تلاش برای سازندگی؛ نگاهی بر عملکرد و دستاوردهای ۲۰ ساله جهادسازندگی (۱۳۸۰)، تهران: دفتر روابط عمومی وزارت جهادسازندگی.
- اردستانی، حسین (۱۳۹۳)، «جهادسازندگی در جنگ تحمیلی»، مجله نگین ایران، ش ۵۱.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر نهادسازی در تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر رهیافت نهادی، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، د ۸، ش ۱۶.
- ایروانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، نهادگرایی و جهادسازندگی، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت جهادسازندگی.
- براتعلی پور، مهدی (۱۳۹۵) مدیریت بحرانهای سیاسی در فرآیند تثبیت انقلاب اسلامی، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج. جلد اول.

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۰۷

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) مدیریت بحران: نقادی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، تهران: فرهنگ گفتمان.

حیدری، مهدی (۱۳۹۳)، پیدایش، شکل‌گیری و فعالیت‌های جهادسازندگی در جنگ تحمیلی، مجله نگین ایران، ش ۵۱.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). سند شماره: ۲۹۳/۱۵۳۰۹.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۴۵۴۲۵.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۴۵۴۹۰.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۴۵۸۷۴.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۴۷۶۲۱.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۴۸۵۵۱.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۴۸۶۲۳.

ساکما. سند شماره: ۳۲۰/۵۴۳۸۱.

ساکما. سند شماره: ۲۹۳/۹۶۰۴.

ساکما. سند شماره: ۴۰۰/۰۱۰۷۰۵.

ساکما: سند شماره: ۴۰۰/۷۳۴۹.

سند رلاب، اریک (۱۳۹۷)، تاریخچه سازمانی جهادسازندگی ایران، ترجمه: هادی جعفری و محسن جعفری، تهران: دانشگاه امام حسین.

ظهوریان ابوترابی، میثم و دیگران، «کشف عوامل مؤثر بر استحاله نهاد جهاد سازندگی: تحلیل شبکه مضامین»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۱ ش ۷۸ بهار ۱۳۹۷.

قافله باشی سید مجتبی و دیگران (۱۳۹۷) زنده‌باد جهاد ده روایت از مدیران و پیشکسوتان جهادسازندگی، تهران، الگو نگار پیشرفت.

متوسلی، محمود و دیگران (۱۳۹۷)، اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند، تهران: دانشگاه امام صادق، چ ۲.

مجتبی حسنی و امین شاه بابای آشتیانی (۱۳۹۵)، اقتصاد جهادی: مروری بر تجربه اقتصادی جهادسازندگی، تهران، انتشارات سدید.

مجله جهاد (۱۳۶۰) قانونی نشدن شوراها و عدم همکاری ادارات بزرگ‌ترین مشکل ماست، ش ۲۳
مجله جهاد (۱۳۶۰)، جهادسازندگی مهاباد در خدمت محرومین کردستان، گفتگو با مسئول جهادسازندگی مهاباد، ش ۳۰.

مجله جهاد (۱۳۶۱) تا زمانی که ویرانی‌ها، فقر و جهل و وابستگی اقتصادی وجود دارد، کار جهادسازی تداوم خواهد داشت، ش ۴۷.

مجله جهاد (۱۳۶۱) شوره‌های اسلامی روستایی در مسیر تشکیل و هدایت روستائیان، ش ۳۹.

مجله جهاد (۱۳۶۱) گزارش مقدماتی از کار شورای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی، ش ۵.

مجله جهاد (۱۳۶۱)، جهاد، فقر فرهنگی اقتصادی روستائیان، اضمحلال ضدانقلاب، گزارشی از جهادسازی استان آذربایجان غربی، ش ۵۶.

مجله جهاد (۱۳۶۱)، جهادسازی در راه بازسازی و نوسازی روستاهای جنگ‌زده، بازسازی شهرها به وزارتخانه‌ها و بازسازی روستاها به جهادسازی و گذار شده است. گفتگویی با یکی از اعضای ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی، ش ۳۶.

مجله جهاد (۱۳۶۱)، لزوم تقویت جهادسازی در کردستان، گزارشی از استان کردستان، ش ۲۲.

مجله جهاد (۱۳۶۱)، نقش جهادسازی در زمینه‌سازی پیروزی بزرگ فتح، ش ۳۱.

مجله جهاد (۱۳۶۱)، نگاهی گذار به عملکرد جهادسازی در عملیات بیت‌المقدس، ش ۳۴.

مجله جهاد (۱۳۶۲)، جهادسازی و مهندسی عملیات سازمان‌یافته، گزارشی تحلیلی از فعالیت‌های مهندسی ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهادسازی، ش ۲۹.

مجله جهاد (۱۳۶۲)، همه باهم همگام با جهادسازی به یاری روستائیان محروم مناطق جنگ‌زده روستایی بشتایم، جهادسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی، ش ۵۳، خرداد ۱۳۶۲.

مجموعه مقالات نقش جهادسازی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی (۱۳۸۶)، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.

مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۴، ج ۱، ۹۲۸.

مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، ج ۱، ۶۴۱.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره: ۶۰۲۵.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. سند شماره: ۵۵۱۱.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. سند شماره: ۵۵۲۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۱۰۱۶-۱۵۴۹۰ به تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۵.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۱۸۰ مورخ ۱۳۶۳/۳/۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۳۶۹-۳۴۱۶۴، به تاریخ ۱۳۶۵/۵/۵.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۴۹۶۶ ت ۹۷ تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۸.

بررسی تاثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۰۹

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۶۰۵۷۰ تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۷.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۶۰۹۲ ت ۱۵۳۰۶ ه ۶۱۲ به
تاریخ ۱۳۷۵/۶/۴

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۹۰۶-۹۰۰۱۲ به تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۶.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۳۱۰/۳۶۶-۶۶۷-۱ به
تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۸۶۷۹۰ تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۲.
مشایخی، علی و دیگران (۱۳۹۹)، *رسم جهاد تجربه کار جمعی در جهادسازندگی به روایت
حسنعلی عظیمی*، تهران: راه یار.

Hodgson, Geoffrey Martin (1998), "The Approach of Institutional Economics", *Journal of Economic Literature*, Vol. 36(1).

Steinmo, Sven, Kathleen Thelen, Frank Longstreth (1992), *Structuring Politics: Historical, Institutionalism in Comparative Analysis*, New York: Cambridge Univ. Press.